

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## بازگشت "طالب"ها، درگیری با ایالات متحده و تشدید جنگ‌های قبیلوی آیا مخالفان مسلح آماده گفتگوهای صلح و مصالحه در کشور می‌باشند؟ چگونگی رهایی ۴۰۰ زندانی و تهدیدات امنیتی در مورد

باورهای دست‌وپاگیر واقعیت‌های عینی موجود  
مکتب فکری واحد و عملکردهای جدا جدا از هم  
ژرفای "مسأله قومی" و اهمیت آن در کشور  
تضمین دفاع از حملات ستیزه جویان

لویه جرگه در تاریخ معاصر کشور از یک سنت قبیلوی به یک سنت سیاسی مبدل شده است. زمامداران کشور معمولن بمنظور تحکیم پایه‌های قدرت خود استفاده نموده و از آن سود برده‌اند. آنگونه که در تاریخ رسمی دولت افغانستان آمده، نخستین لویه جرگه در سال ۱۱۲۶ (۱۷۴۷م) در شهر کندهار و پس از آن طی یک سده اخیر در موارد مختلفی تدویر حاصل نموده است. اما لویه جرگه بمثابه ارگان رسمی کشور از جایگاه حقوقی برخوردار نمی‌باشد و تصامیم متخذ در آن نیز ضمانت اجرایی ندارد. فیصله‌های لویه جرگه که در جریان جلسات آن به تصویب می‌رسد، از رهگذر حقوقی الزام آور نبوده و بمنظور از قوه بفعل مبدل نمودن تصامیم و فیصله‌های جرگه، باید مورد تائید هر دو مجلس پارلمان کشور نیز فرارگیرد.

در آغاز کلام، یادآوری این مهم، لازمی پنداشته می‌شود که گرد هم آیی‌های سنتی موسپیدان و بزرگان اقوام و قبایل مختلف، متشکل از شخصیت‌های مذهبی و سیاسیون کشور، بمنظور جروبخت در مورد مهمترین و سرنوشت سازترین مسایل و قضایای موجود در کشور، دعوت می‌گردند.

در مورد توضیح مفهوم لویه جرگه، بمعنای وسیع کلمه، باید یادآور شد که در زبان پښتو، "لویه جرگه" بمفهوم "شورای بزرگ" تلقی گردیده و معنای گردهمایی ملی را رسانده که در برگیرنده نماینده‌های نژادهای مختلف و اجتماعات گوناگون قبیلوی جامعه افغانی محسوب می‌گردد.

لویه جرگه در کشور عزیز ما نهادیست با تاریخ چندین سده. جرگه بگونه سنتی در مواقع بحرانی کشور و یا بمنظور حل و فصل مسایل ملی دعوت می‌گردد. همچنان لویه جرگه‌ها در کشور عزیز ما بمنظور تصویب و تأیید قانون اساسی جدید، اعلام جنگ، تعیین و برگزیدن رهبری دولت و یا اجرای ریفورم‌های بنیادی اجتماعی و یا سیاسی دعوت می‌گردد.

لویه جرگه از چه قدرتی برخوردار می‌باشد؟

لویه جرگه بمفهوم گردهمایی ملی تلقی گردیده که در برگیرنده نماینده‌هایی از گروه‌های مختلف نژادی، قومی و مذهبی جامعه افغانی محسوب می‌گردد. لویه جرگه نهادیست که دارای پیشینه تاریخی چندین سده در کشور ما پنداشته می‌شود. نهاد یادشده بگونه معمول در صورت موجودیت بحران ملی و بمنظور حل و فصل مسایل ملی گردهم می‌آیند. چنین معمول بوده است که از لحاظ تاریخی لویه جرگه بمنظور تصویب قانون اساسی، اعلام جنگ، تعیین و گماشتن زعیم کشور و یا بمنظور انجام ریفورم‌های اجتماعی و سیاسی دعوت می‌گردد.

مطابق قانون اساسی کشور، لویه جرگه بمثابه "بالاترین مظهر اراده شهروندان افغانستان" پذیرفته شده است.

اما لویه جرگه بمثابه ارگان رسمی کشور از جایگاه حقوقی برخوردار نبوده و تصامیم متخذه در آن نیز ضمانت اجرایی ندارد. فیصله های لویه جرگه که در جریان جلسات آن به تصویب می رسد، از رهگذر حقوقی الزام آور نبوده و بمنظور از قوه بفعل مبدل نمودن تصامیم و فیصله های یادشده تایید هر دو مجلس پارلمان کشور لازمی پنداشته می شود.

پس از ارائه مقدمه متذکره در بالا، باید اضافه نمود که "طالب"ها، در حالیکه از دستیابی به امتیازات، سرمست بنظر می رسند، آمادگی شان را بمنظور آغاز مذاکرات میان افغانی، بویژه پس از آزادی ۴۰۰ تن از زندانیان شان که به جرم های سنگینی هم متهم می باشند، اعلام نموده اند. قرار اطلاعات بنشر رسیده، باید مذاکرات میان افغانی طی هفته پیشرو آغاز می گردید، اما بدلیل آزاد نگردیدن گروه یادشده، اصل آغاز این مذاکرات در هاله ای از ابهام و سردرگمی قرار گرفت. اما نباید فراموش خاطر ما گردد که تصمیم ها در کشور یا کشورهای دیگر و دور از چشم افغان ها اتخاذ گردیده و پس از تصویب توسط خارجی ها، برپیکر ضعیف و ناتوان افغانستان و بردوش همشریان ما تحمیل گردیده و بگونه ناگزیر باید به پذیرش بی چون و چرای آن باشند. قابل یاددهانی می باشد که در نتیجه بحث و گفتگوهای در لویه جرگه مشورتی اخیری که در کابل گشایش یافت، شرکت کننده ها برهائی ۴۰۰ تن از زندانیان "طالب"ها که در عین زمان، خطرناک نیز محسوب گردیده و به جرایم گوناگونی از قبیل قتل، اختطاف، قاچاق مواد مخدر و... وحتا عده ای از آنها محکوم باعدام بودند، رأی مثبت داده و مشوره بعمل آور دند تا بمنظور تسهیل روند صلح و آغاز مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی، از حبس رها گردند. نباید فراموش خاطر ما گردد که مدتی قبل، جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان از رهائی ۴۰۰ زندانی یادشده بدلیل ارتکاب جرایم سنگین ممانعت بعمل آورده و در مورد، مخالفت صریح حاکمیت سیاسی کشور ابراز گردیده بود. بنابراین، تصمیم به برگزاری لویه جرگه مشورتی بمنظور بحث در مورد مسأله جنجالی یادشده اتخاذ گردید. موضعگیری دولت افغانستان و "طالب"ها در مورد آغاز مذاکرات میان افغانی، بگمان اغلب باهم نزدیک شده است. اما ممکن جنگجویانی از آسیای مرکزی نیز در "فهرست قطر" جاداده شوند. در نهایت امر، این افراد کیه می باشند؟

در نهایت امر، اشرف غنی فرمان آزادی ۴۰۰ تن از زندانیان "طالب"را که در زندان های کشور در توقیف بسر می بردند، امضاً نمود. قبل بر این، بتعداد ۴۶۰۰ تن از زندانی های "طالب"ها از حبس رها گردیدند. اما اشرف غنی از آزادی ورهائی ۴۰۰ تن از زندانی بگفته نامبرده خطرناک که بجرم های سنگینی متهم می باشند، ابا ورزیده، مخالفتش را با رهائی آنها اظهار نموده و باین منظور بدعوت لویه جرگه مشورتی بخاطر شور و بحث در مورد مسأله جنجالی یادشده، مبادرت ورزید. اما در جریان آغاز بکار لویه جرگه مشورتی یادشده، نه تنها در این مورد از جانب "طالب"ها، بلکه از جانب ایالات متحده نیز، فشارهایی مبنی بر رهائی ۴۰۰ تن از زندانیان یادشده بر غنی وارد گردیده که نامبرده ناگزیر به فراخوانی لویه جرگه مشورتی شده تا با استفاده از آن، توسط جرگه، عین تقاضا و خواست فراقانونی "طالب"ها و ایالات متحده بر آورده گردیده و طبعن که فرمان رهائی آنها توسط غنی بامضاً رسید.

نبايد فراموش خاطر ما گردد که هدف توافق و تعامل بدست آمده ماه فبروری میان طرف های متذکره، از جمله مسایل دیگر، در برگیرنده گنجاندن "طالب"ها در ساختار قدرت در کشور و ایجاد شرایط بمنظور خروج بخشی از قوت های نظامی ایالات متحده از اراضی کشور ما می باشد. گفتگوهای ایالات متحده با دفتر قطر "طالب"ها آنهم بدون شرکت و سهمگیری حاکمیت مرکزی کشور انجام پذیرفته و به فیصله های از قبل دیکته شده نایل گردیدند. از جمله، رهائی پنج هزار تن از زندانیان "طالب" که در زندان های متعلق به دولت افغانستان بسر میبردند، از جمله موارد متذکره بحساب می آید.

در نهایت امر، جرگه مشورتی نیز فیصله بعمل آورده ورهائی ۴۰۰ تن از زندانیان یادشده را تصویب نمود. شرایط و وضعیت اینچنینی در اول امر، سبب خوشنودی جمهوری اسلامی افغانستان نگردیده و اسباب رضایت خاطر اشرف غنی را فراهم نمود. اما نامبرده با تصویب لویه جرگه مشورتی موافقت نموده و فرمان رهائی پنج هزار تن از زندانیان "طالب"ها را امضاً نمود. بلی بتعداد ۴۶۰۰ تن از زندانیان، شامل "فهرست قطر" بوده، اما بتعداد ۴۰۰ تن دیگر همچنان پشت میله های زندان باقی ماندند. این ۴۰۰ تن از زندانیان بارتکاب جرایم جنگی، از قبیل قتل افراد ملکی، انجام اقدامات تروریستی، تجارت غیرقانونی مواد مخدر مرتبط به عملکردهای تروریستی و تروریزم متهم بودند. بگفته بسیاری ها، اینها ترسوهایی هستند که در تقابل و انجام عملکردهای

شنیعی، شهره شده و در مورد، دست بالایی دارند.

پس از تصویب و فیصله جرگه مشورتی در مورد رهایی ۴۰۰ تن از زندانیان یادشده، درگام نخست موجبات ناراضی دولت را ببار آورده، اما سرانجام کار، غنی در مورد رهایی تعداد یادشده از زندانیان باقیمانده موافقت بعمل آورد.

منابع مطلع گزارش می دهند که اشرف غنی پس از امضای سند رهایی ۴۰۰ تن از زندانیان یادشده، به خبرنگاران اظهار نمود که درزندگی اش تاکنون بامضای چنین سند خطرناکی مبادرت نورزیده است. نامبرده در نظر داشت تا مسؤلیت چنین تصمیمی را از هر طریق ممکن بر عهده جرگه مشورتی قرار دهد. بهمین دلیل به دعوت چنین جرگه ای بمنظور دستیابی به هدف یادشده، اقدام نمود. از جانب امریکایی ها به نماینده های جرگه مشورتی بنحوی از انحاء قبلن مطالبی در مورد چگونگی تصمیم و فیصله مورد نظر آنها، گوشزد گردیده بود.

بسیاری از دست اندرکاران مسایل کشور ما چنین می پندارند که بدلائل مختلفی، اثرگذاری "طالب"ها بر بخشی از اعضای جرگه مشورتی کاملن مشهود بود. در شرایط و اوضاع کنونی، مطابق اطلاعات و اخبار بنشر رسیده، "طالب"ها در مقایسه با تسلط و اثربخشی ارگان های دولتی، بر بیشترین بخش های اراضی کشور ما مسلط می باشند. بنابراین، نماینده های جرگه اظهار نمودند که در صدد آن نمی باشند تا با فیصله ها و تصمیم های شان، اسباب رنجش خاطر "طالب"ها را فراهم نمایند.

چنانچه قبلن تذکر بعمل آمد که جرگه در نهایت امر، بر رهایی ۴۰۰ تن از زندانیان باقیمانده از زندان، موافقت نمودند. اما در این سند، تفاوت های ظریفی نیز موجود می باشد. بیشتر از نیمی از زندانیان یادشده را اتباع کشورهای خارجی تشکیل می دهند. بگفته کارشناسان، بتعداد نه کمتر از ۲۰۰ تن آنها پاکستانی می باشند که یا افراد ملکی بوده و یا بسازمان های استخباراتی آن کشور متعلق میباشند و یا هم افراد و اشخاص شریری که بمنظور انجام فعالیت های خرابکارانه استخدام گردیده اند. در فهرست زندانیان یادشده، اسمای شهروندان از پاکستانی و اتباع تا جیکستانی نیز بمشاهده می رسد. سلسله مراتب قدرت در کشور اعلام نمود اند که در میان زندانیان آزادشده، عده ای از هموطنان ترکمن نیز موجود می باشند.

در این مقطع پرسشی بمیان می آید که حاکمیت مرکزی کشور در قبال جنگجویان آسیای مرکزی، چه موقفی را اتخاذ خواهد نمود؟

قابل یاددانهایی پنداشته می شود که هر چند تصویب قطعنامه لویه جرگه مشورتی نه تنها انتقال جنگجویان خارجی را به "طالب"ها فراهم ننموده، بلکه جنگجویان یادشده به دول کشورهای اصلی آنها تحویل داده می شوند. کارشناسان تاشکندی باین عقیده میباشند که در فیصله نامه جرگه مشورتی در کابل، از هیچ تضمینی مبنی بر عدم بازگشت جنگجویان رهأ شده به جنگ و تداوم سهمگیری آنها در درگیری های مسلحانه در اراضی افغانستان، اصلن موجود نمی باشد. در غیر آن، بمشکل بتوان حتا تصور نمود که حاکمیت های سیاسی از پاکستان، تاجیکستان و ترکمنستان، مسؤلیتی را در زمینه یادشده بر عهده گیرند. آنها ناگزیر خواهند بود تا جنگجویان رهأ شده را برای مدت زمان طولانی در حبس نگهدارند.

انجام چنین امری، بگمان اغلب که نقض توافقتنامه با "طالب"ها محسوب می گردد که مطابق "فهرست قطر"، تمامی زندانی های موجود باید با برخورداری از نعمت آزادی، از حبس رهأ گردند. در چنین وضعیتی، اگر زندانیان شامل "فهرست قطر" از زندان رهأ می گردند، آنها مطابق مواد قرارداد، نباید به دولت های متبوع شان تحویل داده شوند. خاطر نشان می گردد که اعضای شامل فهرست یادشده، برای "طالب"ها از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشد. "طالب"ها ادعا می ورزند که انتقال و تسلیمی زندانی های رهأ شده بکشور های متبوع شان، نه تنها نقض توافقات بدست آمده "طالب"ها و امریکایی ها محسوب گردیده، بلکه سبب گسستگی مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی خواهد گردید.

کارشناسان مسایل یادشده، پرسشی را بقرار زیر مطرح می نمایند که آیا امکان فرستادن "طالب"های آزادشده شامل "فهرست قطر" به پاکستان موجود می باشد؟

طرف افغانی در مورد مشکل یادشده با عشق آباد نیز در تماس نزدیک بوده، مگر تاکنون از جانب عشق آباد در مورد، پاسخ قناعت بخشی دریافت ننموده است. اما جانب تاشکند تأیید می نماید که در وزارت امور خارجه از پاکستان، در مورد اظهار نموده اند که تاکنون جانب افغانی با دولت از پاکستان در مورد معضل یادشده، مسأله

ای را در میان نگذاشته است.

از جانب دیگر، رهایی زندانیانی با زندگینامه ارتکاب جرایم سنگین در کشور، در نوع خود خطر آفرین نیز محسوب می‌گردد. از جمله افراد و اشخاص زندانی "فهرست قطر" که از زندان ره‌آ گردیده اند، بتعداد ۲۰ تن آنها در جریان زد و خوردهای اخیر در کشور بقتل رسیدند. بدین ترتیب در غرب کشور نیز یکتا از قوماندان های "طالب" ها که در روز قبل از آن از زندان ره‌آ گردیده بود، بقتل رسید. دست اندرکاران مسایل مربوط بکشور ما و شماری از کارشناسان مسایل آسیای مرکزی باین باورند که در زمینه یادشده، تا هنوز مسایل عدیده و قابل ذکری در آسیای مرکزی حل و فصل نگردیده و همچنان لاینحل باقی مانده است. چنین تصور می‌گردد که اگر تاجیک ها و ازبیک ها از ورود افراد و اشخاص شامل فهرست یادشده به کشور هایشان ممانعت بعمل آورند، حاکمیت های موجود در این کشورها، ممکن آنها را پشت میله های زندان قرار دهند. این دلالت بآن می‌نماید که افراد و اشخاص متعلق بکشورهای دیگر که در افغانستان از حبس ره‌آ می‌گردند، ممکن بگونه داوطلبانه از عودت بکشورهای اصلی شان امتناع ورزند. در چنین وضعیتی، دولت افغانستان ناگزیر خواهد گردید تا با استفاده از قوه آنها را به کشورهای شان بازگرداند که در نوع خود، این بمثابه بزرگترین معضله برای دولت افغانستان مبدل خواهد گردید.

این واقعیت را نیز نباید از نظر دور نگه داشت که جنگجویان وارد شده از آسیای مرکزی را ممکن پاکستان شکار نماید. این امکان نیز موجود می‌باشد که مقامات دولت یادشده، بمقایسه سابق، به "بازگشت کننده ها" وفادارتر خواهند بود. اسلام آباد در نظر دارد تا در صورت بروز بحران جدی در مناسبات آن کشور با افغانستان، از آنها استفاده ابزاری بعمل آورد. چه مناسبات میان کشور ما با پاکستان مملواز فرازونشیب بوده و مناقشات میان دو کشور، سابقه تاریخی داشته که تاکنون هم راه حل مناسبی بمنظور رفع این اختلافات جستجو نگردیده است. اکنون چندان بیمورد نخواهد بود تا نظری ولو گذرا در مورد نقش ایالات متحده در تطبیق و اجرای عملی توافقا ت قطر انداخته و پیامدهای آنرا بررسی نماییم.

همه باین باورند که، پس از رهایی زندانیان "طالب"، مقامات جمهوری اسلامی افغانستان باید از آنها تضمین های معتبری مبنی بر عدم بازگشت به میدان های درگیری های مسلحانه و جلوگیری و خودداری از انجام اقدامات تروریستی بدست آورند. اما بنظر آنها، نباید تنها و تنها ایالات متحده بمثابه ضامن و تضمین کننده وضعیت پس از رهایی زندانیان بشمار آید، بلکه در مورد یادشده، باید مسؤلیت های جانب فدراسیون روسیه نیز در نظر گرفته شود. ببینید، بگونه فوری، حلمی خلیل زاد از جانب ایالات متحده و ضمیر کابلوف از جانب فدراسیون روسیه، بمثابه نماینده های ویژه کشور های یادشده در امور مربوط با افغانستان مؤظف گردیدند که هر کدام در خط و مسیر مشخص شده حرکت نموده و هر کدام آنها بگونه منحصر بفردی در زمینه تطبیق مواد مؤافقتنامه قطر میان ایالات متحده و "طالب" ها، برای کابل گزارش ارائه می نمودند.

"طالب" ها با صراحت اظهار نمودند که پس از تطبیق و اجرای فیصله های جرگه مشورتی، با حاکمیت سیاسی کشور، مذاکرات صلح را آغاز خواهند نمود.

قابل یادآوری می‌باشد که جریان آزادی ۴۰۰ زندانی جنجالی "طالب" ها نیز همچنان ادامه دارد.

پس از سپری نمودن پروسه پر خم و پیچ، اینک قرار است تا در نتیجه تلاش های جامعه بین المللی، مذاکرات و گفتگوهای میان افغانی طی روزهای نزدیک در دوحه آغاز گردد که میتوان آنرا بمثابه گام های مهمی بمنظور استقرار صلح و تأمین امنیت سراسری در کشور پنداشت. امیدواری هایی موجود است تا با انجام مؤفقتانه مذاکرات و گفتگوهای یادشده، به جنگ های ۴۰ ساله در اراضی کشور ما نقطه پایان گذاشته شود.

قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که پشتیبانی جهانی و منظوقوی از پروسه آغاز شده بمنظور تأمین صلح و امنیت در کشور کاینک بانجام مؤفقتانه نزدیک گردیده است، از اهمیت ویژه ای برخوردار می‌باشد. بمنظور استقرار صلح و احیای اقتصاد کشور عزیز ما، سعی و تلاش همه کشورها، سازمان ها و نهادهای بشردوستانه و کلیه اجتماعات بشری در دستور روز قرار می‌گیرد. مطابق خبرها و اطلاعات بنشر رسیده، قرار است تا مذاکرات یادشده بتاریخ ۱۶ ماه اگست سال روان در دوحه آغاز گردد. هیأت نمایندگی دولت نیز، بتاریخ ۱۲ ماه اگست وارد دوحه گردیده است.

شنبه ۲۵ ماه اسد سال ۱۳۹۹ خورشیدی